

تأثیر اعتقاد به مهدویت

«در اصلاح فرد از دیدگاه قرآن و حدیث»

سیدمین صمیمی*

چکیده

این مقاله نخست به جایگاه اصلاح‌گر عالم بشریت و تأثیر تربیتی آن اشاره ای می‌نماید. سپس به تبیین عرصه‌های این تأثیر در ابعاد مختلف - فکری، روحی و روانی، اخلاقی، عملی - می‌پردازد. از جمله: ۱. بعد فکری - با تحلیلی بر واژه عقل در روایات - ۲. بعد روحی و روانی - با اشاره بر اهمیت ذکر و دعا و بررسی ره‌آوردهای انتظار - ۳. بعد اخلاقی - با اشاره بر اهمیت نظارت امام بر اعمال شیعیان و زمان ناگهانی ظهور - ۴. بعد عملی - با نشان دادن تصویری از چگونگی عمل شیعه منتظر - امید که شیعیان منتظر را سودمند آید. کلید واژه‌ها: شیعه، اعتقاد، مهدویت، انتظار، آموزه‌های دینی، ابعاد تربیتی.

مقدمه

در مذهب شیعه، مصلح موعود تداوم بخش رسالت انبیاء و حجت روی زمین و ملاک سنجش انطباق فرد با دین خداست. حضرت مهدی (ع) واسطه‌ای است برای

*کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات، تهران

پرستش خداوند . بر این اساس مهدویت نه تنها مسأله اعتقادی است ، بلکه از بعد تربیتی نیز برخوردار است . بعد تربیتی ، در جریان انتظار خود را نشان می دهد . بدین جهت ابتدا به بیان معنای انتظار اشاره می نمائیم : انتظار به معنی امیدواری ، چشم به راهی ، آمادگی ، نگرانی ، چشم داشت و درنگ است . و معنای اصطلاحی انتظار : عبارت است از حالت قلبی و روحی که از آن آماده شدن برای چیزی که چشم براهش هستی بر می آید . پس هر قدر انتظار بیشتر باشد آماده شدن هم بیشتر می شود .^۱

در یک محور در جریان تربیتی این اعتقاد منتظر در مسیر تحولات عاطفی و عملی معینی قرار می گیرد . زیرا می داند که خداوند در قرآن کریم فرموده : «وَقُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِيلِ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَرِسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (التوبة، ۹/۱۰۵) ؛ «ای پیامبر به مردم بگو عمل کنید ولی بدانید که خداوند و پیامبر (ص) و مؤمنان ، کارهای شما را می بینند» . لذا شیعه امام خویش را ناظر بر اعمال خود می داند و این نظارت تأثیر تربیتی وافری دارد .

در محوری دیگر حضرت مهدی (ع) همچون خورشیدی از پشت ابر در تربیت افراد تأثیر گذار است . به همین جهت است که در روایتی به نقل از امام صادق (ع) آمده که فرمود : «شیعیان از ولایت او نفع می برند ، مانند استفاده مردم از آفتاب هر چند که آن را ابر بپوشاند»^۲ . لذا به تحقیق حضرت (ع) خلیفه هدایتگر الهی است^۳ . شیعه همواره تحت هدایت و تربیت پدری دلسوز و مهری مادرانه قرار دارد . چنان که این موضوع به صراحت در کلام نورانی به نقل از ابوالحسن (ع) آمده که فرمود : «الإمام الأمين الرفیق والوالد الشفیق ، كالأم البرة بالوالد الصغیر و مفرع العباد ؛ امام امینی رفیق ، پدری مهربان و برادری مهربان و برادری همزاد است ، او مانند مادری نیکوکار و مهربان نسبت به فرزند خرد سال و پناه بندگان خداست»^۴ .

اعتقاد به حضرت مهدی (ع) در اصلاح شیعه منتظر تأثیر می گذارد . همان گونه که در روایتی آمده : «نحن صنائع ربنا والخلق بعد صنائعنا»^۵ . قطعاً این تأثیر در ابعاد و عرصه های مختلفی نمایان می گردد . که به شرح آنها می پردازیم :

۱ . بعد فکری :

فکر زیر بنای اعمال و رفتار انسان می باشد و باورهای اساسی حیات آدمی را در

حصار خود حفظ می کند . در واقع تربیت انسان ها و رها ساختن آنان از جهل و نادانی و عرضه حقایق اسلام به روان حق جوی آدمیان ، از برترین رسالت های انبیاء و اولیاء بوده است . چنان که خداوند در قرآن کریم می فرماید : «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (الجمعة، ۲/۶۲)؛ « او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب [قرآن] و حکمت می آموزد و مسلماً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» . فردی که به امام زمان (ع) معتقد است در واقع در جریان انتظار خود تحت تربیت ولی عصر (ع) می باشد . این امر در طهارت فکری و عقلی او رشد چشمگیری دارد . در این خصوص از باب نمونه به روایاتی چند اشاره می نمایم :

الف : از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود : «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعِ يَدَهُ عَلَى رَوْسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عَقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ ؛ چون قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان گذارد و عقولشان را متمرکز سازد . و عقل هایشان کامل شود»^۶ . در روایت دیگری از حضرت آمده که فرمود : «و تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ ؛ در زمان مهدی (ع) به شما حکمت بیاموزند»^۷ .

ب : از امیرالمؤمنین (ع) آمده که فرمود : «دست خدا را بر سر بندگان می گذارد آن وقت دل مؤمن از آهن سخت تر باشد و خدا او را قوت چهل مرد عطامی فرماید»^۸ .
 ج : از امام کاظم (ع) آمده که فرمود : «خداوند را بر مردم دو حجت است : یکی ظاهر که آن عبارت است از پیامبران و رهبران دین و دیگر باطن که آن عقول مردم است»^۹ .
 د : در روایتی به نقل از پیامبر اکرم (ص) آمده که فرمود : «خداوند با چیزی بهتر از عقل پرستیده نشده»^{۱۰} .

هـ : در روایتی از امام سجاد (ع) آمده که فرمود : «مردم زمان غیبت بر همه زمان ها برتری دارند ، زیرا که خداوند به ایشان به اندازه ای عقل و فهم و شناخت داده است که غیبت آن حضرت نزد ایشان به منزله مشاهده و عیان است ...»^{۱۱} .
 روایات فوق ناظر بر این است که :

اول آن که : حضرت مهدی (ع) هنگامی که دست خود را بر سر بندگان بگذارد عقل آنها

جمع و حلم آنها کامل می گردد. بعضی بر این نظرند: دست بر سر بندگان کشیدن نمادی است از سرپرستی، یعنی: هنگامی که حضرت بر مردم ریاست پیدا کند با سرپرستی عاقلانه حضرت، افراد نیز عقل شان کامل و جهل شان ضایع می گردد. بعضی نیز گویند که با تهدید هواها و طغیان ها منتظر تحت تربیت حضرت مهدی^(ع) قرار گرفته و آیات قرآن مستقیماً در هدایت و پرورش عقلی او تأثیر می گذارد.

دوم آن که: در دوران ظهور حضرت انحرافات دینی و جهل مردم زایل خواهد گردید و از این طریق به برکت حضرت مهدی^(ع) قدرت هر مردی برابر قدرت چهل مرد خواهد بود. سوم آن که: منتظرین به فضل پروردگار - در دوران غیبت - صاحب عقل کامل تری خواهند بود. شاید عامل این رشد عقلی همان خودسازی شیعه باشد. شیعه برای زمینه سازی ظهور حضرت با دوری از گناهان و جهالت ها و پیروی از دستورات قرآن و ائمه^(ع) خود به خود سبب تقویت و باروری نیروی عقلانی خویش می گردد. چهارم آن که: شیعه به فضل پروردگار و عنایات حضرت مهدی^(ع) در جریان انتظار صحیح خود به تقویت قوای عقلانی و توانمندی های فکری خود می پردازد^{۱۲}. و بدین وسیله در جهت صحیحی به پرستش پروردگار خود می پردازد.

۲. بعد روحی و روانی:

فردی که منتظر ظهور حضرت است، این انتظار در تمام ابعاد روحی و روانی او نیز تأثیر گذار است. لذا از طریق ارتباط معنوی که فرد با یک انسان کامل الهی برقرار می سازد، حسی در او به وجود می آید که او را در مقابل بسیاری از افکار رنج آور، گرفتاری ها و بیماری های روحی رایج در جامعه امروزی مقاوم می سازد. با توجه به روایات، حضرت مهدی^(ع) به وضع درونی و درجه روحیه مردم دانا است. در آیه ای از قرآن کریم خداوند می فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (الأنعام، ۸۲/۶)، تطهیر از شرک و نفاق و هر گونه ظلمی در گرو تمسک به ولایت است. وجود حضرت^(ع) مطهر از هر گونه نخوت و آلودگی است. لذا رسیدن به مقام امن که آرزوی بزرگ اولیای خدا است، جز از راه ولایت و اعتقاد به حضرت نخواهد بود. انتظار صحیح امری است سازنده و آرامش بخش در روح و روان فرد چنان که در روایتی به نقل از رسول اکرم^(ص)

آمده که فرمود: «أبشركم بالمهدى ... ، يرضى عنه ساكن السماء و ساكن الأرض» .^{۱۳} این موضوع در قرآن بنا بر روایتی به نقل از امام صادق (ع) این گونه بیان شده است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (الأحقاف، ۱۳/۴۶)؛ «بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت ورزیدند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند». آیه فوق ناظر بر این است که در نبود غم ها آرامش روحی حاصل می گردد. منتظر با ذکر پروردگار و دعا جهت تعجیل در فرج حضرت روح خویش را قوت بخشیده و دل خود را شفا و نورانی می سازد. شیعه با توجه به فرموده پروردگار در قرآن کریم: «آنجا که ذکر و یاد تو را، نه اسم و نام تو را بالا بردیم در تو وسعتی پدید آوردیم و بارهای سنگین و کمر شکن را از تو برداشتیم، تا آنجا که تو همراه هر رنجی، راحتی می دیدی» (الشرح، ۱/۹۴-۶). و با تاسی از فرموده أهل بیت (ع) «دعا قضای پیچیده سخت را بر می گرداند»^{۱۴}. با دعا کردن برای آن حضرت کمال توجه به سوی او برایش حاصل می شود و علاقه خود را به حضرت نشان می دهد^{۱۵}. این موضوع در کلامی نورانی به نقل از امام صادق (ع) این گونه بیان شده است که: «هر کس بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: «خداوندا بر محمد (ص)، و خاندان او درود فرست و در فرج ایشان تعجیل کن»، نمیرد تا قائم (ع) را دریابد» .^{۱۶}

در این حیطة حضرت مهدی (ع) نیز برای منتظرین دعا می کند. دعای حضرت سبب آرامش و اطمینان منتظر می گردد. چنان که در توقیعی به نقل از آن حضرت آمده که فرمود: «... ما در پی حفظ آنان هستیم، با دعایی که از خداوند زمین و آسمان پوشیده نیست، پس با این امر دل های اولیاء و دوستان ما مطمئن باشد»^{۱۷}. از این جهت در روایتی به نقل از امام صادق (ع) دعا مورد تأکید واقع شده، چنان که حضرت با تأکید شیعه به شناخت خداوند، پیامبر و حجت های الهی، از جمله دعاهاى دوران غیبت را این گونه توصیه فرموده است: «اللهم عرفنى نفسك فأنتك إن لم تعرفنى نفسك لم أعرف نبيك، اللهم عرفنى رسولك فأنتك إن لم تعرفنى حجبتك ظللت عن دینی» .^{۱۸}

آثار روحی و روانی را می توان در این نمونه ها نشان داد:

اول: تسکین و آرامش روانی: اعتقاد به حضرت مهدی (ع) و مشاهده جلوه هایی از کرامات و عنایات حضرت که در طول دوران غیبت رخ داده و ایجاد این حس که شیعه

تکیه گاهی دارد، منتظر را به آرامش و امنیت روانی غیر قابل تو صیفی می رساند که او را از بسیاری امراض اخلاقی در امان نگاه می دارد. به همین جهت خداوند در قرآن کریم می فرماید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ» (الحج، ۶۵/۲۲)؛ «آیا ندانسته ای که خدا آنچه در زمین است و نیز کشتی ها را که به فرمان او در دریا رانند، برای شما رام و مسخر کرده است؟ و آسمان را نگه می دارد که بر زمین نیفتد مگر به اذن او یقیناً خدا به همه مردم رؤوف و مهربان است». زیرا در روایتی به نقل از امام زین العابدین (ع) آمده که فرمود: «این آیه در ارتباط با حضرت مهدی (ع) که امان و پناه اهل زمین است نازل گشته است». بنابراین این با توجه به آیه و روایت فوق اعتقاد به حضرت مهدی (ع) در امنیت روحی فرد تأثیر گذار است. اکنون به طور خلاصه ره آوردهای انتظار را در روح و روان فرد بر می شمیریم:

الف: امید به آینده: یکی از نام های خداوند: «یا منتهی الرجایا؛ ای نهایت امیدها»، است. منشأ هر امیدی پروردگار است و امام زمان (ع) جلوه حق. پس با توسل به حضرت (ع) امید به شناختی پیوند می خورد که نور و تلاش می آفریند. «کل من رجاء عرف رجاءه فی عمله؛ هر کس امید داشته باشد، این امید از عمل وی شناخته می گردد».

منتظر حضرت مهدی (ع) به آینده ای روشن و سراسر شور و اشتیاق امیدوار است؛ زیرا در روایاتی از باب نمونه: به نقل از امام علی (ع) آمده است که فرمود: «إنتظروا الفرج و لا تياسوا من روح الله فإن أحب الأعمال إلى الله عز وجل إنتظار الفرج مادام علیه المؤمن؛ منتظر فرج [از جانب خدا] باشید و از رحمت و دست گیری خداوند نا امید نباشید. همانا دوست داشتنی ترین کارها در پیشگاه خداوند عز وجل انتظار فرج است. تا وقتی که مؤمن این حالت خود را حفظ کند». ۱۹

اعتقاد به حضرت مهدی (ع) نقش سازنده ای در تعلیم و تربیت فرد دارد. زیرا کسی که امیدوار است، دارای بینش توحیدی است، تمام امور عالم را زیر فرمان خدا می بیند، به وعده خداوند در شرایط سخت و سقوط، آگاهی کامل دارد و یقین دارد که پیروزی از آن وارثان حقیقی زمین است چنین فردی می داند که باید در تمام زمینه ها آماده و مهیا باشد. زیرا خداوند حال قومی را تغییر می دهد که خود بخواهد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (التوبة، ۹/۳۳؛ الفتح، ۲۸/۴۸؛ الصف، ۹/۶۱) در آیه مذکور و بسیاری آیات دیگر خداوند بر عنصر خوش بینی و طرد عنصر بد بینی درباره آینده بشر تأکید ورزیده است. شیعه منتظر در تحت هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی دهد زیرا انسان بالفطره در راه تکامل فکری و اخلاقی و معنوی پیش می رود. آینده ای بس روشن و سعادت بخش، نظریه الهامی است که دین عطا می کند و نوید قیام حضرت مهدی (ع) در اسلام نتیجه این الهام است. در نتیجه منتظر خوش بین تمامی موانع را در مسیر زندگی خود پشت سر می گذارد، و کینه ها حسادت ها و بسیاری از احوال ناپسند را از خود دور می سازد.

ب: تحرک و پویایی: اعتقاد به حضرت مهدی (ع) در پرتو جریان انتظار او هنگامی که ترغیب و توصیه می شود سبب تحرک و پویایی جسمی و روحی منتظر می گردد. زیرا فرد سعی می نماید سستی و رخوت را از خود دور نموده و با تلاش و کوشش زمینه ساز ظهور آن حضرت گردد.

در روایتی به نقل از حضرت مهدی (ع) آمده که حضرت فرمود: «إِنَّا غَيْرُ مَهْمَلِينَ لِمَرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ؛ مَا هَرَّكَ شِمَا رَا بِه حَالِ خُودِ رَهَا نَكْرَهَ اِيْمٍ وَ هَرَّكَ شِمَا رَا اِزْ يَادِ نَبْرَهَ اِيْمٍ وَ اِگَر نَبُوْد [عِنَايَتِ پِيُوْسْتَه مَا] حَتْمًا سَخْتِي هَا وَ بَلَا هَايِ فِرَاوَانِي بِه شِمَا مِي رَسِيْد، دَشْمَنَانِ شِمَا رَا نَابُوْد مِي كَرْد. بِا تُوْجِه بِه رَوَايَتِ فَوْقِ حَضْرَتِ مَهْدِي (ع) مَنْتَظَرِيْنَ رَا فِرَامُوشِ نَمِي كَنْد. اِيْنِ پِيَامِ اِزْ حَضْرَتِ (ع) اَمِيْدِ وَ تَحْرِكِ وَ اَفْرِيْ دَرِ مَنْتَظَرِيْنَ بِه وَ جُوْدِ مِي اَوْرَدْ.

ج: صبر و مقاومت در برابر مشکلات: خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَ اَرْتَقِبُوْا اِيْتِيْ مَعَكُمْ رَقِيْبًا» (هود، ۹۳/۱۱) در تفسیر این آیه در روایتی به نقل از امام موسی بن جعفر (ع) آمده که فرمود: «صبر را بر خود لازم بدارید؛ زیرا که فرج نمی رسد مگر در حالت یأس و ناامیدی، به درستی که کسانی که پیشتر از شما گذشتند از شما صبر کننده تر بودند»^{۲۰}.

شیعه همواره در جریان انتظار خود به تأسی از خدا آنجا که فرمود: «وَ تَوَّاصَوْا بِالصَّبْرِ» (العصر، ۳/۱۰۳) و اهل بیت (ع) چنان که در روایتی به نقل از امام محمد باقر (ع) آمده که فرمود: «بر انجام واجبات صبر کنید و یکدیگر را در مصائب به صبر وادارید و خود را بر پیوند با امام منتظران مستحکم نمایید»^{۲۱}. صبور است زیرا اگر صبور و مقاوم نباشد

اسیر شهوات، شبهه‌ها و شک‌های مختلف گردیده و هدف اصلی خود را گم می‌نماید. بدین جهت است که در روایتی به نقل از امیرالمؤمنین^(ع) آمده که فرمود: «از رحمت خدا نومید مشوید، زیرا که دوست‌ترین عمل‌ها نزد خدای تعالی انتظار فرج است... این مدت را طولانی‌نمایید که موجب قساوت دل‌ها می‌شود»^{۲۲}. با توجه به اهمیت صبر، عقل و فهم و معرفت افراد در دوران غیبت و تأکید ائمه بر تحمل سختی‌ها است، چنان‌که در روایتی به نقل از امام باقر^(ع) آمده که فرمود: «... چون شنیدید ظهور کرده، نزد او بروید، اگر چه کشان‌کشان بر روی برف و یخ باشد»^{۲۳}. شیعه منتظر در جریان انتظار خود در برابر مشکلات صبور و مقاوم گردیده و به پرورش ظرفیت وجودی خود می‌پردازد. تا جزء یاران حضرت محسوب گردد. زیرا یاران حضرت بنا به روایتی به نقل از ابی‌عبدالله^(ع): «و رجال کأن قلوبهم زبر الحديد؛ مردانی که گوئی دل‌هایشان پاره‌های پولاد است»^{۲۴} توصیف شده‌اند. زیرا می‌دانند که صبرکننده بر اذیت و تکذیب در غیبت او - حضرت مهدی^(ع) - بسان مجاهدی است که با شمشیر در رکاب پیامبر اکرم^(ص) با دشمنان مبارزه کند»^{۲۵}. روح و جوهره انتظار، فرد منتظر را صبور و مقاوم می‌سازد، زیرا باید تا فرا رسیدن زمان ظهور حضرت سختی‌ها و رنج‌ها را تحمل نماید. منتظری که رهبر خویش را همدرد و وابسته به خویش احساس کرده، در برابر درد‌ها و محرومیت‌ها مقاوم می‌سازد و صبور می‌گردد. این موضوع در کلام نورانی پیامبر اکرم^(ص) این‌گونه بیان شده که فرمود: «اگر آنچه از آزارها و رنج‌ها که بر آنان می‌رسد، بر شما آید، بسان آنان شکیبائی نخواهید داشت»^{۲۶}. پایداری بر دین بر روزگار غیبت به تحمل سختی‌ها خلاصه نمی‌شود، بلکه تحمل فشارهای سخت روحی و معنوی نیز، بر آن افزوده می‌گردد. چنانچه دین‌داری با صبر و شکیبائی درست و آگاهانه توأم نباشد، به تدریج ناامیدی به مردم روی می‌آورد و باور را از روح و فکر آنان بر می‌دارد.

۳. بعد اخلاقی:

صفوان بن مهران در روایتی به نقل از امام صادق^(ع) می‌گوید: «کسی که حضرت مهدی^(ع) را انکار کند در واقع حضرت محمد^(ص) را انکار نموده است»^{۲۷}. در روایت دیگری: «حضرت مهدی^(ع) شبیه‌ترین فرد به حضرت محمد^(ص) می‌باشد»^{۲۸}. لذا روایات

فوق ناظر بر این است که در واقع وجود حضرت مهدی(ع) و صفات نیکش را نمی توان انکار نمود. حضرت مهدی(ع) صاحب اخلاق بسیار نیکوئی می باشد. رسالت حضرت نیز طبق رسالت رسول خدا(ص): «إِنِّي بَعَثْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^{۲۹}، تکمیل کننده اخلاق نیک منتظرین است. بنابر این حضرت همانند خورشیدی پشت ابر چه در زمان غیبت و چه در زمان ظهور باعث افزایش معرفت فرد نسبت به پروردگار و تربیت و پرورش اخلاقی فرد می شود. قرآن کریم و تعالیم اهل بیت(ع) بیشترین تأکید را بر رشد اخلاقی و معنوی بشر انجام داده اند. بدین جهت در روایتی آمده که: «هر کس دوست بدارد که از اصحاب قائم(ع) باشد هر آینه باید که به ظهور آن حضرت منتظر شود، در ایام انتظارش به ورع و تقوی رفتار نماید و به اخلاق حمیده و اوصاف پسندیده متصف شود»^{۳۰}. همان طور که در بعد فکری عنوان شد حکومت حضرت مهدی(ع) حکومتی عقل محور است و کمال عقل موجب بروز و ظهور اخلاق نیکو در انسان خواهد بود. از سوی دیگر محیط آکنده از هدایت های قرآن و سنت های الهی آدمی را به خوبی ها سوق می دهد. شیعه منتظر سعی می کند تا تمامی رذائل اخلاقی - دروغ، حسادت، و مانند آن - در وجود خود پاک نموده و خود را به اخلاق نیک آراسته نماید.

اعتقاد به حضرت مهدی(ع) همان اعتقاد به صفات حضرت می باشد. مهمترین و مؤثرترین راه برای پرورش حس معنوی، توجه فرد به کمالات اخلاقی و صفات حضرت مهدی(ع) است. لذا شیعه هنگامی که با سیره و خلق و خوی حضرت آشنا می شود معرفت او به حضرت و الگو قرار دادن حضرت، سبب آراستن فرد به تمام صفات نیک الهی می گردد. امام که پیشوا و راهبر جامعه است، انسان کامل می باشد و از همه بدی ها و رذائل اخلاقی دور بوده و در مقابل، همه کمالات اخلاقی را در عالی ترین حد آن دارا می باشد. شیعه احتیاجی به این ندارد که حتماً امام خویش را در مقابل خود ببیند. بلکه سعی می نماید از الگوی خود سرمشق بگیرد و تمام رذائل اخلاقی را تا حد استعداد و ظرفیت خود از جسم و روحش پاک سازد و در مسیر انتظارش همواره به خودسازی و آراستگی پردازد.

الف: نظارت امام بر اعمال فرد: حضرت مهدی(ع) بر اعمال منتظرین نظارت دارد و این حقیقت اثر تربیتی بزرگی دارد و شیعیان را به اصلاح کارهای خود وا می دارد. بدین

جهت در روایتی به نقل از امام رضا (ع) آمده که فرمود: «هر صبح و شام اعمال مردم بر ائمه عرضه می گردد»^{۳۱}. لذا به هر اندازه توجه فرد منتظر به حضرت مهدی (ع) بیشتر باشد، ثمره آن در رفتار او آشکار تر می گردد. زیرا شیعه این کلام نورانی را شنیده که: «پس تنها چیزی که ما را از آنان [شیعیان] پوشیده می دارد، همانا چیزهای ناشایستی است که از ایشان به ما می رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی رود»^{۳۲}.

منتظر هنگامی که در خفا نظارت حضرت را بر اعمال خود بداند باعث می شود که در زمان غیبت از غفلت و نادانی در آید و ایمان خویش را تقویت نماید. در این زمان حالت مراقبه بر فرد چیره می گردد و فرد در تمام حرکات، سکنتات، اعمال، افعال و سخنان خود مراقب اعمال خود می باشد و آنی و دقیقه ای از حضرت غافل نمی شود زیرا بنا بر توقیعی از مفید به نقل از حضرت شنیده که: «فَأَنْتَ نَحِيظُ عِلْمًا بِأَبْنَائِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»^{۳۳}. این موضوع در کلام نورانی امام صادق (ع) این گونه بیان شده است: «هر امتی در هر عصری شهیدی برای او می باشد و هر امتی با امامش محشور می شود. «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (الإسراء، ۱۷ / ۷۱).

ب: پارسایی: منتظر علاوه بر متدین بودن باید پارسا و پرهیزگار باشد. او صفات و اعمال خود را تا می تواند - با توجه به روایات - شبیه صفات و اعمال یاران خاص حضرت، رسانده تا به لطف خدا در شمار آنان به حساب آید. منتظر رفتار و اخلاق انسانی خود را مایه زینت و افتخار ائمه طاهرين (ع) می نماید. چنان که در روایات این هشدار را شنیده که باید تقوی و پرهیزگاری را شیوه خویش گرداند. منتظر باید با یک برنامه ریزی صحیح در جهت سازندگی خود، اگر آنچه را که در مسیر پیوند با حضرتش می فهمد، تمرین نماید به ثبات می رسد. به همین جهت است که خداوند در قرآن کریم می فرماید: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ» (ابراهیم، ۲۷ / ۱۴)؛ «کسانی که ایمان آورده اند، با گفته های ثابت تثبیت می شوند». آن یافته های انسان، اگر در او شکل گیرد و با آن زندگی کند، با همان به ثبات می رسد و قدرت پیدا می کند.

ج: زمان ناگهانی ظهور: نامعلوم بودن زمان ظهور اقتضاء می کند که فرد منتظر همیشه آمادگی های کافی را داشته باشد. چنان که روایتی به نقل از امام عصر (ع) آمده که فرمود: «هر یک از شما باید آنچه موجب دوستی ما می شود، پیشه خود سازد و از هر چه موجب

خشم و ناخشنودی ما می گردد، دوری کند، زیرا فرمان ما یکباره و ناگهانی می رسد و در آن زمان توبه برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر نجات نمی بخشد»^{۳۴}. بنا براین با توجه به روایت فوق زمان ناگهانی ظهور و تأکیدی که در روایات بر آماده بودن مداوم فرد صورت گرفته این امر عامل محرکی است جهت مراقبت بیشتر منتظر بر رفتار و اعمال خود.

۴. بعد عملی:

انتظار به همه اعمال و رفتار انسان جهت می دهد و منتظر در این بخش هم به ساختن خود و هم به سامان دادن جامعه همت می گمارد.

الف: دینداری: از ویژگی های فرد منتظر دینداری است. انسان در دوران غیبت باید با مواظبت بیشتر به امر دین و صحت اعمال خود پردازد. و از هر گونه سستی و اغراق دوری گزیند و در خط صحیح قرآن قرار گیرد.

ب: روحیه ظلم ستیزی: اعتقاد به حضرت مهدی^(ع) و عدالت فراگیرش تنها مایه دلداری و شکیبائی نیست. بلکه منبعی سرشار از الهام بخشی و توانمندی خواهد بود. چنان که امام خمینی فرمود: «جوهره انتظار عدالت است»^{۳۵}. به این معنا که این اعتقاد در فرد روحیه ظلم ستیزی به وجود می آورد و منبع توان بخشی، نیرو سازی است. زیرا منتظر در روایتی به نقل از رسول اکرم^(ص) که فرمود: «ألا أبشرك ألا أخبرك يا علي؟» فقال: «بلى يا رسول الله». فقال: «كان جبرئيل عندي آنفاً وأخبرني أن القائم الذي يخرج في آخر الزمان فيملا الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً من ذريتك من ولد الحسين»؛ «آیا تو را بشارت ندهم؟» عرض کرد: «بله رسول الله». آن حضرت فرمود: «هم اینک جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد قائمی که در آخر الزمان ظهور می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد همان گونه که از ظلم و جور آکنده شده از نسل تو و از فرزندان حسین^(ع) است». یکی از اهداف حضرت مهدی^(ع) مبارزه با هر گونه ظلم و ستم و دستگیری از فقیران و محرومین می باشد. لذا در این حیطة منتظر سعی می نماید رنگ و بوی حضرت را بپذیرد. بنا براین از هر نوع ظلم بیزار می شود. پشتوانه این تلاش های وی امید به حکومت حضرت خواهد بود.

ج: امر به معروف و نهی از منکر: شیعه می داند که رضا و خشنودی امام مهدی (ع) در آن است که معروف، عملی شود و منکر ترک گردد. بنابر این شیعه منتظر نمی تواند در این باره بی تفاوت باشد. چنان که خداوند در قرآن کریم می فرماید: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (الحج، ۴۱/۲۲)؛ «کسانی که هر گاه در زمین، آنان را توانایی دهیم، نماز به پا دارند، زکات را به مستحق برسانند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و عاقبت کارها به دست خداست». در تفسیر آیه فوق به نقل از امام باقر (ع) آمده که فرمود: «این آیه برای آل محمد (ص) «مهدی و اصحاب او» است»^{۳۶}. در واقع بزرگترین امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر، در روزگار ظهور خود امام مهدی (ع) می باشد.

د: یاری حضرت: امام علی (ع) افراد را تنها زمانی منتظر و پیرو امام عدالت گستر معرفی می نماید که در زندگی فردی و اجتماعی شان راه و روش مورد نظر او را اجرا نمایند. چنان که در نامه ای به نقل از حضرت خطاب به عثمان بن حنیف آمده که فرمود: «...مرا یاری کنید به پارسایی و کوشیدن و پاک دامنی و درستی ورزیدن»^{۳۷}. منتظر بنا بر تفسیر آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۲۰۰/۳) به نقل از امام صادق (ع) که فرمود: «نه تنها اعتقاد به امام زمان (ع) واجب است بلکه خداوند یاری حضرت را در زمان غیبت واجب گردانیده است»^{۳۸}. به یاری حضرت در دوران غیبت می پردازد. این یاری در سه مرحله صورت می گیرد؛

در مرحله اول: شکر قلبی نعمت که همان معرفت صحیح حضرت و تهذیب نفس فردی می باشد پرداخته.

در مرحله دوم: شکر زبانی نعمت با یاد کردن حضرت به زبان، امام را به دیگران معرفی می نماید.

در مرحله سوم: شکر عملی نعمت یعنی: فرد به اصلاح اعمال خود در مسیر بندگی پروردگار می پردازد.

بنا بر این با توجه به مجموع آیات و روایاتی که درباره مسأله انتظار وارد شده، و هم چنین با دقت و تأمل در مفهوم واقعی کلمه «انتظار» این معنا به خوبی روشن می شود که منتظر راستین ظهور حضرت مهدی (ع) بار سنگین و مسئولیت خطیری دارد که به سه دسته؛

خودسازی، دگر سازی و زمینه سازی تقسیم می گردد. امید که از این مسئولیت های خویش سربلند بیرون آید.

نتیجه گیری

۱. در مذهب شیعه اعتقاد به حضرت مهدی (ع) ، اعتقاد به رسالت انبیاء و حضرت مهدی (ع) واسطه ای برای پرستش خداوند است .
۲. حضرت مهدی (ع) در دوران غیبت بر اصلاح افراد تأثیر گذار می باشد و این تأثیر در عرصه های مختلف - فکری ، روحی و روانی ، اخلاقی ، عملی - آشکار می گردد .
۳. در عرصه فکری منتظر در زمان غیبت و ظهور حضرت با عنایات و توجهات خاص حضرت به پرورش قوای عقلانی و توانمندی های فکری خود می پردازد .
۴. در عرصه روحی و روانی منتظر به آرامش توصیف ناشدنی دست می یابد که ثمره آن صبر و مقاومت ، امید به آینده ، خوشبینی و پویایی ، آرمان خواهی و آرمان طلبی ، روحیه ظلم ستیزی ، در روحيات و رفتار فرد می باشد .
۵. کمال و تقویت قوای عقلانی موجب بروز و ظهور اخلاق نیکو در فرد خواهد بود . لذا در عرصه اخلاقی منتظر با دوری از رذائل اخلاقی و تخلّق به اخلاق حسنه سعی می نماید تا رضایت امام خویش را به دست آورد .
۶. در عرصه عملی فرد به صحت اعمال خود می پردازد و ثمره آن دینداری ، پارسایی ، امر به معروف و نهی از منکر و در نتیجه یاری حضرت می باشد . لذا فرد سعی می نماید در تمامی عرصه ها رنگ و بوی حضرت را بپذیرد .

-
۱. مکیال المکارم، ۱۵۲/۲ .
 ۲. الغیبة «طوسی» / ۲۹؛ کمال الدین و تمام النعمة، ۲۰۷/ ۱ .
 ۳. بحار الأنوار، ۸۳/۵۱؛ و : ۵۷/۲۴ .
 ۴. الغیبة «نعمانی» / ۳۲۰ .
 ۵. الغیبة «طوسی» / ۲۸۵؛ الصراط المستقیم
 ۶. منتخب الأثر / ۶۰۷؛ بحار الأنوار، ۵۲/ ۳۳۶ .
 ۷. بحار الأنوار، ۵۲/ ۳۵۲ .
 ۸. کمال الدین و تمام النعمة، ۶۷۴/ ۲ .
 ۹. الکافی، ۱۵/ ۱؛ وسائل الشیعة، ۲۰۳/ ۲۷ .
 ۱۰. الخصال «صدوق» / ۴۳۳ .
 ۱۱. کمال الدین و تمام النعمة، ۱/ ۳۱۹ .

۱۲. در اهمیت رشد فرد بنگرید؛ به دانشنامه عقاید اسلامی، ترجمه: «مهدی مهریزی»، ۲ جلد، انتشارات دارالحدیث، قم
۱۳. بحار الأنوار، ۷۴/۵۱؛ الغيبة «طوسی»/ ۱۷۸.
۱۴. الکافی، ۴۶۹/۲-۴۷۰.
۱۵. در اهمیت فوائد دعا بنگرید به مکیال المکارم، ترجمه سید محمد حائری قزوینی.
۱۶. الغيبة «طوسی»/ ۳۶۸.
۱۷. مجمع البیان، ۳۲۴/۲.
۱۸. الکافی، ۳۳۷/۱؛ کمال الدین و تمام النعمة، ۵۱۲-۳۴۲/۲.
۱۹. کمال الدین و تمام النعمة، ۵۱۲/۲.
۲۰. همان/۶۴۵.
۲۱. الغيبة «نعمانی»/ ۱۹۹.
۲۲. الخصال «صدوق»، ۶۱۶/۲ و ۶۲۲.
۲۳. الغيبة «نعمانی»/ ۱۵۴.
۲۴. الخصال «صدوق»، ۵۴۱/۲.
۲۵. کمال الدین و تمام النعمة، ۳۱۷/۱.
۲۶. همان.
۲۷. بحار الأنوار، ۱۷۳/۲۳.
۲۸. همان، ۳۹/۵۲.
۲۹. المستدرک «نوری»، ۱۸۷/۱۱.
۳۰. الغيبة «نعمانی»/ ۲۰۰.
۳۱. الکافی، ۲۱۹/۱؛ وسائل الشیعة، ۱۰۸/۱۶.
۳۲. بحار الأنوار، ۱۷۸/۵۳.
۳۳. الاحتجاج «طبرسی»/ ۴۹۸.
۳۴. همان/۴۵۵ و ۳۲۲.
۳۵. صحیفه نور.
۳۶. بحار الأنوار، ۱۶۵/۲۴.
۳۷. نهج البلاغة/ ۳۱۷/۴۵ن.
۳۸. بحار الأنوار، ۲۱۷/۲۴.